

# تأثیر ابعاد ادراک خود بر روابط اجتماعی با همسالان در نوجوانان مراکز آموزشی استعدادهای درخشان و مدارس عادی

دیبا سیف\*، دکتر لعیاشاش\*\* و دکتر مرتضی لطیفیان\*\*

## چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر ابعاد چندگانه ادراک خود بر روابط اجتماعی نوجوانان سرآمد و عادی در محیط مدرسه بود. گروه نمونه از ۱۹۰ دانش آموز کلاس سوم راهنمایی (۸۸ دختر و ۱۰۲ پسر) از دو مرکز آموزشی استعدادهای درخشان (۸۳ نفر) و دو مدرسه دولتی همتا (۱۰۷ نفر) انتخاب شدند. ادراک خود به وسیله مقیاس نمرخ ادراک خود برای نوجوانان و مقیاس ادراک شایستگی هارتر تهیه شد. تحلیل نتایج نشان داد که مقیاس مزبور در پنج بعد شایستگی تحصیلی، شایستگی اجتماعی، خود ارزشمندی کلی، شایستگی ورزشی و اداره رفتار، ادراک خود را مورد سنجش قرار می‌دهد. به منظور سنجش روابط اجتماعی با همسالان در محیط مدرسه از «پرسشنامه احساس تنهایی» استفاده به عمل آمد. نتایج نشان داد که ارتباط اجتماعی با همسالان در دو گروه نوجوانان سرآمد و عادی از وضعیت متفاوتی تبعیت نمی‌کند. دختران نسبت به پسران روابط اجتماعی بیشتری با همسالان خود برقرار می‌سازند. همچنین نوجوانانی که از ادراک شایستگی اجتماعی بالاتر و خود ارزشمندی قویتری برخوردارند، روابط بیشتری با همسالان خود ایجاد می‌کنند. نهایتاً نتایج نشان داد که قدرت پیش‌بینی‌کنندگی شایستگی اجتماعی برای روابط اجتماعی با همسالان بیش از سایر متغیرها می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** ادراک خود، ارتباط اجتماعی، دانش‌آموز، استعداد درخشان.

## ● مقدمه

مفاهیمی مانند حرمت خود<sup>۱</sup>، خودپنداشت<sup>۲</sup>، ادراک شایستگی<sup>۳</sup> و ادراک خود<sup>۴</sup> در ادبیات مربوط به علوم شناختی<sup>۵</sup> از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. ادراک شایستگی اساس پیدایش و سلامت روانی<sup>۶</sup> در نظریه اریکسن (۱۹۵۰) است. در این نظریه ادراک شایستگی عبارت است از احساس توانمندی برای انجام موفقیت آمیز تکالیفی که مستلزم برخورداری از مهارت‌های معینی است که از طریق تعامل با محیط اجتماعی و فیزیکی به وجود می‌آید.

در دهه ۸۰، در الگوی انگیزشی هارتر (۱۹۸۲) مفهوم «ادراک خود» را بسط داده و اعلام داشت که ادراک خود در زمینه‌های مختلف، یکسان نیست. از دید هارتر مهمترین این زمینه‌ها عبارتند از: شایستگی شناختی<sup>۷</sup> که بر موفقیت در امور تحصیلی تمرکز دارد؛ شایستگی اجتماعی<sup>۸</sup> که حاکی از احساس توانمندی در برقراری روابط با همسالان است؛ و شایستگی جسمانی<sup>۹</sup> که متمرکز بر تواناییها و مهارت‌های جسمی و ورزشی است. افزون بر این، هارتر متذکر می‌گردد که از سن ۸ سالگی به بعد، فرد به یک قضاوت کلی در مورد ارزشمندی خود نیز دست می‌یابد که وراء ادراک‌های ویژه در زمینه‌های خاص است. این جنبه از ادراک خود که در الگوی هارتر، «خودارزشمندی کلی»<sup>۱۰</sup> خوانده می‌شود، در برگیرنده احساس اعتماد به خویشتن، خوشنودی از خود، و احساسی خوب و مثبت در مورد کنش‌های خود است. خود ارزشمندی کلی نشانگر آن است که فرد تا چه حد خود را خوب و مفید ارزشیابی می‌کند و از نحوه بودن خود، رضایت دارد و برای خویشتن خود ارزش قائل است (هارتر، ۱۹۸۳).

علاوه بر ادراک خود، روابط اجتماعی با همسالان نیز در شکل‌دهی رفتارهای فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. رابطه اجتماعی علاوه بر ادراک خود از نخستین سال‌های کودکی نقش مهمی در رشد اجتماعی فرد داشته، و در دوران نوجوانی، گسترش شبکه روابط اجتماعی، فرد را به شدت تحت شعاع خود قرار می‌دهد (اریکسن، ۱۹۶۸). به همین دلیل از یکسو توانایی در برقرار نمودن ارتباط مؤثر با همسالان و احساس پذیرفته شدن در جمع آنان و عدم تنهایی، نقشی کلیدی را در گذار موفقیت آمیز از این دوران ایفاء می‌کند. از سویی دیگر احساس مثبت نسبت به مدرسه و عملکرد مناسب تحصیلی، در شرایطی که فرد دچار احساس تنهایی است و از نقصان روابط اجتماعی با همسالان رنج می‌برد، به مخاطره می‌افتد (دایلی و همکاران، ۱۹۹۸). بنابراین دور از انتظار نیست که احساس پذیرفته شدن در میان همکلاسان، کارکردی مثبت در سازش عاطفی در دوران نوجوانی داشته باشد.

طی چند دهه اخیر، پژوهش‌هایی درباره روابط اجتماعی با همسالان و متغیرهای همبسته با

آن در دوران کودکی و نوجوانی صورت گرفته است. یافته‌های پاره‌ای از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روابط ضعیف با گروه همسن با الگوی عمومی منفی ادراک خود همراه است. این الگو عبارت است از ادراک شایستگی اجتماعی پائین، خودکفایتی ضعیف و انتظارات سطح پائین برای پیامدهای اجتماعی و ارزشیابی دوستان (همیمل و فرانک، ۱۹۸۵). در حالی که دانش‌آموزان اجتماعی، از ادراک خود مثبت، به ویژه در زمینه شایستگی اجتماعی، شایستگی ورزشی و حرمت خود برخوردارند (بویومن و بگین، ۱۹۸۹).

شواهد موجود حاکی از آن است که تعامل با همسالان می‌تواند به عنوان عاملی با اهمیت در شبکه روابط اجتماعی فرد تلقی گردد، اما در شکل‌گیری ادراکات نسبت به شایستگی و ارزشمندی خود، عوامل دیگر این شبکه از جمله روابط با والدین و سایر اعضای خانواده و تجارب قبلی و کنونی شخص نیز حائز اهمیت است (مایز، راسل و پتی، ۱۹۹۸). علاوه بر این، ویژگیهای شناختی و نیز بستر اجتماعی و فرهنگی بر پیدایش و تحول ادراک‌های خود و عواطف همایند یا برخاسته از آن تأثیرگذار است (هارتر، ۱۹۹۹). بنابراین، چنان که یافته‌های پاره‌ای از پژوهش‌ها نشان داده است (گوتز و دویک، ۱۹۸۰)، ادراک خود در مورد شایستگی، به ویژه شایستگی اجتماعی، می‌تواند کیفیت روابط بین فردی با همسالان را تحت تأثیر قرار دهد و از همین رو، می‌توان انتظار داشت، که ادراک خود ضعیف منشاء احساس تنهایی و عدم پذیرفته شدن از سوی گروه همسن باشد.

مطالعات انجام شده در زمینه ادراک خود دانش‌آموزان سرآمد، نشان از وجود مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی در جنبه‌های مختلف ادراک خود با دانش‌آموزان عادی داشته است. (هوگ و رنزولی، ۱۹۹۳، مارش و همکاران، ۱۹۹۵). اما برخی از پژوهشگران بر آنند که علاوه بر ادراک خود تحصیلی، باید به جنبه‌های دیگری از ادراک خود دانش‌آموزان سرآمد، به ویژه جنبه‌های مربوط به ارتباط‌های اجتماعی با همسالان نیز توجه نمود و کارکرد آن را در خصوصیات رفتاری این دانش‌آموزان در دوران نوجوانی مورد بررسی قرار داد (ورل، ۱۹۹۷). همچنین در خصوص احساس تنهایی در دوران نوجوانی در میان گروهی از دانش‌آموزان سرآمد، شواهد پژوهشی نشان از آن دارد که عوامل پیش‌بینی‌کننده متعددی اعم از جمعیت شناختی و عاطفی بر روابط اجتماعی در دوران نوجوانی تأثیر می‌گذارد (کیزر، و برنت، ۱۹۸۵). یافته‌های برخی از مطالعات نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌کننده‌های احساس تنهایی در میان زنان و مردان، متفاوت است. در حالی که زنان کاستی‌های مربوط به روابط اجتماعی خود را به عوامل قابل مهار، اسناد می‌دهند، مردان این کمبود را متأثر از عوامل غیر قابل مهار می‌دانند (پنزیک،

لاکویچ و سوینک، ۱۹۹۹).

از آنجا که شکل‌گیری و تحول ابعاد ادراک خود در بافت فرهنگی جامعه صورت می‌گیرد (هارتر، ۱۹۹۹)، آزمایش الگوی هارتر در فرهنگ ایرانی و با تأکید بر ویژگی‌های شناختی دانش آموزان سرآمد و عادی حائز اهمیت است و تلویحاتی از لحاظ تربیتی و مشاوره‌ای خواهد داشت. همچنین از این رو که عدم برخورداری از احساس پذیرفته‌شدن در میان همسالان به ویژه در دوران نوجوانی، بهداشت روانی فرد را در این دوران و ادوار بعدی زندگی به مخاطره می‌افکند (رنشاو و براون، ۱۹۹۳)، شناسایی عوامل زمینه‌ساز و تأثیرگذار بر آن از اهمیت کارکرد خاص برخوردار است.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر ادراک خود بر روابط اجتماعی با همسالان در میان نوجوانان سرآمد و عادی بود. این پژوهش بر اساس مدل انگیزشی ادراک خود هارتر به مطالعه تأثیر پنج بعد ادراک خود در دوران نوجوانی، بر احساس پذیرفته‌شدن در میان همسالان می‌پردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. سهم پیش‌بینی‌کنندگی هر یک از ابعاد ادراک خود در مورد ارتباط اجتماعی با همسالان به چه میزان است؟
۲. آیا گروهبندی تحصیلی نوجوانان به سرآمد و عادی، تأثیری بر ارتباط اجتماعی آنان با همسالان دارد؟
۳. آیا جنسیت نوجوانان تأثیری بر ارتباط اجتماعی آنان با همسالان دارد؟

## ● روش

### ○ آزمودنیها

آزمودنیهای این تحقیق را ۱۹۰ دانش‌آموز کلاس سوم راهنمایی (۸۸ دختر و ۱۰۲ پسر) تشکیل دادند، که در دو مرکز آموزشی استعدادهای درخشان (۸۳ نفر) و دو مدرسه عادی (۱۰۷ نفر) شهر شیراز، مشغول به تحصیل بودند. لازم به ذکر است که مدارس عادی از میان مدارس دولتی و مشخص ناحیه دو آموزش و پرورش که از لحاظ امکانات آموزشی و پرورشی با مراکز آموزش استعدادهای درخشان هم‌تا بودند انتخاب شدند.

### ○ ابزار سنجش

به منظور سنجش ادراک خود، مقیاسی مشتمل بر ۵۵ گویه بر اساس «نیمرخ ادراک خود برای نوجوانان» (هارتر، ۱۹۸۸) و «مقیاس ادراک شایستگی»<sup>۱۲</sup> (هارتر، ۱۹۸۲) تهیه شد، که پاسخ به

گویه‌های آن به وسیله نمرات ۵ بخشی از نوع لیکرت (از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم) صورت می‌گرفت. روائی سازه‌ای<sup>۱۳</sup> این مقیاس از طریق تحلیل عاملی<sup>۱۴</sup> با چرخش وریسکس احراز شد. نتایج این تحلیل نشان داد که پس از حذف ۷ گویه ضعیف، مقیاس مورد نظر مشتمل بر ۵ بعد اصلی ادراک خود عبارت از: شایستگی تحصیلی (برای مثال: فکر می‌کنم در مقایسه با همکلاسانم درسها را خیلی بهتر بلد هستم.)، شایستگی اجتماعی (برای مثال: از لحاظ اجتماعی مورد قبول دیگران هستم.)، خودارزشمندی کلی (برای مثال: از اینکه زنده‌ام و زندگی می‌کنم، خوشحالم.)، شایستگی ورزشی<sup>۱۵</sup> (برای مثال: از لحاظ ورزشی بسیار با استعداد هستم.)، و اداره رفتار<sup>۱۶</sup> (برای مثال: در کارهایی که می‌دانم مورد قبول جامعه نیست، شرکت نمی‌کنم.). نتایج حاصله از تحلیل عاملی مقیاس ادراک خود نشان داد که ۵ عامل فوق در مجموع، ۴۶/۸۳٪ از واریانس نمرات کل مقیاس را تعیین می‌کند. اعتبار ابعاد پنج‌گانه این مقیاس به روش آلفا کرونباخ محاسبه شد و بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۵ متغیر بود.

ارتباط اجتماعی با همسالان، از طریق «پرسشنامه احساس تنهایی»<sup>۱۷</sup> (اشرو و ویلر، ۱۹۸۵) مورد سنجش قرار گرفت. این پرسشنامه ۲۳ گویه‌ای مشتمل بر ۱۵ گویه اصلی (مثلاً: من در مدرسه دوستان زیادی دارم) و ۸ گویه نامربوط که از علائق و سرگرمیهای آزمودنی می‌پرسد (مثلاً: من تماشای تلویزیون را دوست دارم)، است. کارکرد این گویه‌های نامربوط، ممانعت از ایجاد آمایه پاسخ<sup>۱۸</sup>، در پاسخدهی به گویه‌های اصلی پرسشنامه است. در نمره‌گذاری این پرسشنامه، فقط نمرات ۱۵ گویه اصلی ملحوظ می‌گردد. پاسخدهی به گویه‌های پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج بخشی از نوع لیکرت (از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم) صورت می‌گیرد. روائی سازه‌ای پرسشنامه احساس تنهایی در تحقیق حاضر از طریق تحلیل عاملی احراز شد و نتایج این تحلیل، نظر تهیه‌کنندگان آن را دال بر تک مؤلفه‌ای بودن سازه مورد سنجش به وسیله این پرسشنامه، کاملاً مورد تأیید قرار داد (اشرو و همکاران، ۱۹۸۴) و هیچ یک از گویه‌های آن حذف نگردید و یا تغییری در آن داده نشد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ۳۹/۴۳٪ از واریانس نمرات پرسشنامه فوق به وسیله این عامل تعیین می‌گردد. ویژگی مهم این پرسشنامه آن است که بر اساس نحوه کدگذاری پرسشهای موافق و مخالف با سازه مورد سنجش، می‌تواند نمره ارتباط با همسالان یا احساس تنهایی را در محیط مدرسه معین نماید و با توجه به این کدگذاری تعیین می‌گردد که کدام سازه مورد سنجش قرار گرفته است. اعتبار این پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ احراز شد. این ضریب برابر با ۰/۸۸ بود. که نشان از همسانی درونی بسیار خوب نمرات آن

● نتایج

جدول ۱، ماتریس همبستگی درونی بین ابعاد پنج گانه ادراک خود و «ارتباط اجتماعی» با همسالان را نشان می‌دهد. چنان‌که از اطلاعات این ماتریس پیداست، تمامی ابعاد ادراک خود با ارتباط اجتماعی با همسالان همبستگی مثبت و معنی‌دار دارند.

جدول ۱- ماتریس همبستگی درونی بین ابعاد ادراک خود و ارتباط اجتماعی با همسالان

عوامل	خودارزشمندی کلی	شایستگی تحصیلی	شایستگی اجتماعی	شایستگی ورزشی	اداره رفتار
شایستگی تحصیلی	۰/۵۸ **				
شایستگی اجتماعی	۰/۵۲ **	۰/۴۲ **			
شایستگی ورزشی	۰/۳۹ **	۰/۳۳ **	۰/۳۱ **		
اداره رفتار	۰/۴۲ **	۰/۴۰ **	۰/۲۵ **	۰/۱۴ **	
ارتباط اجتماعی با همسالان	۰/۵۶ **	۰/۴۶ **	۰/۶۹ **	۰/۳۲ **	۰/۲۶ **

\*\*p < ۰/۰۱

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون ارتباط اجتماعی با همسالان روی ابعاد ادراک خود با کنترل متغیرهای جنس و گروه‌بندی تحصیلی در جدول ۲ آمده است. چنان‌که از اطلاعات این جدول پیداست، گروه‌بندی تحصیلی تأثیری بر ارتباط اجتماعی با همسالان ندارد. به بیان دیگر ارتباط اجتماعی با همسالان در میان نوجوانان سرآمد و عادی از الگوی متفاوتی تبعیت نمی‌کند. اما جنسیت به طور معنی‌دار ارتباط اجتماعی با همسالان را پیش‌بینی می‌نماید ( $p=0/01$  و  $t=-2/56$  و  $\beta=-0/13$ ). با توجه به کدگذاری متغیر جنس در این پژوهش (صفر برای دختران و یک برای پسران) میزان روابط اجتماعی دختران ( $\bar{X}=32/60$ ) بیش از پسران ( $\bar{X}=43/56$ ) است.

چنان‌که در جدول ۲ نشان داده شده است، از عوامل تأثیرگذار بر روابط اجتماعی با همسالان شایستگی اجتماعی است ( $p=0/0001$  و  $t=8/29$  و  $\beta=-0/50$ ). شواهد حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستحکم و مثبت بین ارتباط اجتماعی با همسالان و شایستگی اجتماعی وجود دارد. به بیان دیگر نوجوانانی که ادراک شایستگی اجتماعی بالاتری دارند، از لحاظ اجتماعی بر همسالانی که ادراک خود ضعیفی در این زمینه برخوردارند، پیشی می‌گیرند. متغیر تأثیرگذار دیگر بر ارتباط اجتماعی با همسالان در مدرسه، خود ارزشمندی کلی است ( $p=0/0004$  و  $t=7/88$  و  $\beta=0/20$ ). این یافته نشان می‌دهد که خود ارزشمندی کلی به طور مثبت روابط اجتماعی با همسالان را پیش‌بینی می‌کند و نوجوانانی که در بعد خود ارزشمندی

کلی از ادراک خود مثبت تری برخوردارند، در محیط مدرسه روابط اجتماعی بیشتری با همسالان خود برقرار می سازند. سایر ابعاد ادراک خود، روابط اجتماعی با همسالان را پیش بینی نمی کند. شایان ذکر است که با توجه به اطلاعات منعکس شده در جدول ۱ همبستگی شایستگی اجتماعی با سایر ابعاد ادراک خود، مثبت و معنی دار است. بنابراین غیر معنی دار شدن ضرایب رگرسیون برای شایستگی تحصیلی، شایستگی ورزشی و اداره رفتار و نیز پائین بودن این ضریب برای خودارزشمندی کلی نه به لحاظ آن است که متغیرهای مذکور ماهیتاً بر ارتباط اجتماعی با همسالان بی تأثیر هستند یا تأثیر ضعیفی دارند؛ بلکه به دلیل همبستگی این عوامل با شایستگی اجتماعی است، که با وارد شدن مجموعه این عوامل در معادله رگرسیون اثرات سایر متغیرها بر ارتباط اجتماعی با همسالان به شدت کاهش می یابد. مقایسه ضرایب  $\beta$  حاکی از آن است که شایستگی اجتماعی با قدرت ۲/۵ برابر خودارزشمندی کلی در مرتبه اول قرار می گیرد و سایر عوامل در رده های بسیار پائینی قرار دارند. در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل ملحوظ در تحلیل، ۵۶٪ از واریانس ارتباط اجتماعی با همسالان را پیش بینی مینماید.

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری ارتباط اجتماعی با همسالان.

روی ابعاد ادراک خود با کنترل گروه بندی تحصیلی و جنس

سطح معنی داری	مقدار t	ضریب استاندارد رگرسیون $\beta$	شاخص ها
NS	۱/۹۳	۰/۱۰	پیش بینی کننده ها گروه بندی تحصیلی (سرآمد، عادی)
۰/۰۱	-۲/۵۶	-۰/۱۳	جنس
NS	۱/۳۰	۰/۰۸	شایستگی تحصیلی
۰/۰۰۰۱	۸/۲۹	-۰/۵۰	شایستگی اجتماعی
NS	۱/۳۸	۰/۰۸	شایستگی ورزشی
NS	۰/۲۷	-۰/۰۳	اداره رفتار
۰/۰۰۴	۲/۸۸	-۰/۲۰	خودارزشمندی کلی

$$R = ۰/۷۵ \quad R^2 = ۰/۵۶ \quad F = ۳۲/۸۷ \quad p < ۰/۰۰۱$$

## ● بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر ابعاد ادراک خود بر ارتباط اجتماعی با همسالان در میان نوجوانان سرآمد و عادی بود. در این تحقیق، ابعاد ادراک خود در دوره نوجوانی بر اساس الگوی ادراک خود هارتر تعریف شد، که اساسی ترین اجزاء آن عبارت از شایستگی تحصیلی، شایستگی اجتماعی، شایستگی ورزشی، اداره رفتار و خودارزشمندی کلی است (هارتر، ۱۹۸۳).

ارتباط با همسالان در مدرسه نیز بر اساس رویکرد اشرویلر (۱۹۸۵) مورد تعریف قرار گرفت. به علاوه از آنجا که یافته‌های برخی از مطالعات نشانگر تأثیر جنس و گروه‌بندی تحصیلی دانش‌آموزان به سرآمد و عادی بر سبب‌شناسی و میزان تعامل اجتماعی بود (فردمن و جنسن، ۱۹۹۹، لو و گروم، ۱۹۹۲)، دو متغیر مزبور نیز به عنوان متغیرهای کنترل وارد طرح آماری شده و تأثیر آنها بر ارتباط اجتماعی با همسالان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج بدست آمده براساس سؤالات پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

□ نخستین پرسش، تعیین سهم پیش‌بینی‌کنندگی هر یک از ابعاد ادراک خود، در ارتباط اجتماعی با همسالان بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که دو بعد ادراک خود عبارت از شایستگی اجتماعی و خودارزشمندی کلی، به طور مستقیم ارتباط اجتماعی با همسالان را پیش‌بینی می‌کنند. به بیان دیگر نوجوانانی که از ادراک خود اجتماعی بالاتری برخوردارند یا بنا به تعریف هارتر، احساس توانمندی بیشتری در برقرار ساختن روابط با همسالان خود، در محیط مدرسه مینمایند (هارتر، ۱۹۸۳)، تعامل اجتماعی بیشتری با همسالان خود برقرار می‌سازند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، قویترین پیش‌بینی‌کننده روابط اجتماعی با همسالان در مدرسه، شایستگی اجتماعی است و خودارزشمندی کلی در مرتبه بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌های پیشین همسوئی داشت (هارتر، ۱۹۹۹).

لازم به ذکر است که یافته‌های پژوهش حاضر نشان از آن داشت که فزونی هر یک از ابعاد ادراک خود به طور جداگانه باعث افزایش ارتباط اجتماعی با همسالان می‌گردد اما وقتی تأثیر مجموعه این ابعاد بر ارتباط اجتماعی با همسالان مورد نظر قرار می‌گیرد، قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده، شایستگی اجتماعی است. از آنجا که این متغیر با سایر ابعاد ادراک خود نیز رابطه نسبتاً قوی دارد، تأثیر این ابعاد را بر ارتباط اجتماعی با همسالان، تحت شعاع خود قرار می‌دهد. تلویح این یافته برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت چنین است که برای برقراری مناسب روابط اجتماعی با همسالان، کافی است که مداخلات آموزشی و پرورشی بر تقویت و بهبود شایستگی اجتماعی متمرکز گردد.

در بعد خودارزشمندی کلی نتایج پژوهش نشان داد که نوجوانانی که از خودارزشمندی بالاتری برخوردارند، ارتباط‌های اجتماعی بیشتری با همسالان خود برقرار می‌سازند. به بیان دیگر اعتماد نسبت به خویشان، خوشنودی و رضایتمندی از خود، احساس خوب و مثبت در مورد کنش‌های فردی و علاقه‌مندی به خود که در مجموع به خودارزشمندی کلی تعریف می‌شود (هارتر، ۱۹۸۲)، تعیین‌کننده ارتباط اجتماعی با همسالان در محیط مدرسه است.



□ دومین پرسش در مورد گروه‌بندی تحصیلی نوجوانان به سرآمد و عادی، و تأثیر آن بر ارتباط اجتماعی آنان با همسالان بود. یافته‌ها حاکی از آن است که ارتباط اجتماعی با همسالان در دوره نوجوانی به وسیله گروه‌بندی تحصیلی پیش‌بینی نمی‌گردد. این یافته با نتایج برخی از مطالعاتی که در خارج از ایران انجام شده ناهمسو بود چنان‌که در مطالعات آنها نقصان روابط اجتماعی با همسالان در میان دانش‌آموزان سرآمد نسبت به دانش‌آموزان عادی دیده شده است (فردمن و جنسن، ۱۹۹۹، ولو و گروم، ۱۹۹۲)، مغایرت داشت. یافته‌های مطالعات مذکور نشان می‌دهد که برخورد متفاوت والدین، معلمان و همسالان با دانش‌آموزان سرآمد سبب احساس متمایز بودن آنها در میان جمع همسالان می‌گردد. لازم به توضیح است که در پژوهش‌های مزبور، گروه دانش‌آموزان سرآمد شامل دانش‌آموزانی می‌باشد که با داشتن عنوان تیزهوش در مدارس عادی به تحصیل مشغول بودند و در برنامه‌های غنی‌سازی آموزشی شرکت می‌کردند. یکی از دلایل این ناهمسویی آن است که دانش‌آموزان سرآمد گروه نمونه در پژوهش حاضر در مدارس ویژه استعداد‌های درخشان مشغول به تحصیل بودند و این گروه، دانش‌آموزان سرآمدی را که به دلیل عدم تشخیص و یا ترجیحات والدین و دانش‌آموزان، در مدارس عادی به تحصیل اشتغال داشتند در بر نمی‌گرفت. از دلایل دیگر ناهمسویی نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پیشین می‌تواند این باشد که ابزار سنجش مورد استفاده در این پژوهش روابط اجتماعی با همسالان را در محیط مدرسه مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد و همان‌طور که ذکر گردید، دانش‌آموزان سرآمد گروه نمونه در مدارس ویژه استعداد‌های درخشان مشغول به تحصیل بودند این گروه‌بندی تحصیلی واحد می‌تواند منجر به فعال‌سازی ساخت‌های ذهنی مشابه و متعاقباً گش‌های مشابه از سوی والدین، معلمان و دوستان در ارتباط با آنها گردد. به همین دلیل ممکن است دانش‌آموز سرآمدی که در میان افراد مشابه خود تحصیل می‌کند کمتر دچار نقص در روابط بین فردی در مدرسه گردد. در مقابل دانش‌آموزان سرآمد مورد مطالعه در پژوهش‌های خارج از ایران به دلیل ساختار غیر طبقه‌بندی شده<sup>۱۱</sup> در آموزش افراد سرآمد، در میان دانش‌آموزان عادی به تحصیل می‌پردازند. چنین دانش‌آموزانی بیشتر محتمل است که در معرض نقصان روابط اجتماعی با همکلاسان خود باشد.

□ سومین پرسش پژوهش، به تأثیر جنس نوجوانان بر روابط اجتماعی آنان با همسالان پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که دختران از ارتباط اجتماعی بیشتری در محیط مدرسه با همسالان خود برخوردارند. اگر چه یافته‌های پژوهشی در خصوص تفاوت‌های جنسیتی در نقصان روابط اجتماعی از همسوئی چندانی برخوردار نیست (فردمن و جنسن، ۱۹۹۹، لو و

گروم، ۱۹۹۲)، اما برخی از شواهد، نشان از وجود تفاوت‌هایی مربوط به روابط اجتماعی در میان مردان و زنان دارد. چنان‌که زنان بر خلاف مردان محدودیت‌های روابط اجتماعی خود را به عوامل قابل کنترل نسبت می‌دهند و از الگوی اسنادی مساعدتری در مقایسه با مردان برخوردارند (یتزیک و همکاران، ۱۹۹۹). علاوه بر این نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که زنان نسبت به مردان تمایل بیشتری برای پذیرفته شدن و تأیید اجتماعی دارند (مک کوبی و ژاکلین، ۱۹۷۴). در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر نتایج تحقیقات فوق را مورد تأیید قرار می‌دهد از سوئی دیگر در فرهنگ ایرانی به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و عرفی، دختران کمتر می‌توانند در بیرون از محیط مدرسه با همسالان خود ارتباط اجتماعی برقرار سازند، در حالیکه برای پسران چنین محدودیتی وجود ندارد یا کم رنگ‌تر است. به همین دلیل دختران در محیط مدرسه با همسالان خود ارتباط اجتماعی بیشتری برقرار می‌سازند و با دوستان مدرسه‌ای، ارتباط صمیمانه‌تری دارند و محدودیت‌های ارتباطی خود را با گروه همسن از طریق چنین روابطی کاهش می‌دهند.

در مجموع، پژوهش حاضر، وجود رابطه بین ادراک خود و ارتباط اجتماعی با همسالان را تأیید نمود و نشان داد که دو بعد شایستگی اجتماعی و خود ارزشمندی کلی، روابط اجتماعی با همسالان را پیش بینی می‌کند و نوجوانانی که از شایستگی اجتماعی و خود ارزشمندی کلی بالاتری برخوردارند، در محیط مدرسه، با همسالان خود روابط اجتماعی گسترده‌تری برقرار می‌سازند. افزون بر این، تحقیق حاضر نشان داد که ارتباط اجتماعی با همسالان متأثر از عامل جنس و فارغ از تأثیر گروه‌بندی نوجوانان به سرآمد و عادی است.

بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که والدین و معلمان در امر پرورش احساس خود ارزشمندی کلی و ادراک شایستگی اجتماعی نوجوانان اهتمام بیشتری ورزند و در تربیت و آموزش آنان از روش‌هایی بهره‌گیرند که منجر به فزونی این احساسات و ادراکات گردد. همچنین فراهم ساختن شرایطی که به گسترش روابط اجتماعی با گروه همسن در محیط‌های آموزشی به ویژه در میان نوجوانان پسر کمک کند، از پیشنهادهای پژوهش حاضر برای دست اندرکاران تعلیم و تربیت است.



- |   |   |
|---|---|
| 5- Cognitive science                        | 6- Psychological well-being                 |
| 7- Cognitive competence                     | 8- Social competence                        |
| 9- Physical competence                      | 10- General self-worth                      |
| 11- Self-Perception Profile for Adolescents | 12- Perceived Competence Scale for Children |
| 13- Construct validity                      | 14- Factor analysis                         |
| 15- Athletic Competence                     | 16- Behavior conduct                        |
| 17- Children's Loneliness                   | 18- Response set                            |
| 19- Non-categorical.                        |   |

## منابع

- Asher, S. R. & Wheeler, V. A. (1985). Children's loneliness: A comparison of rejected and neglected peer status. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 53, 500-505.
- Asher, S. R.; Hymel, S. & Renshaw, P. D. (1984). Loneliness in children. *Child Development*, 55, 1456-1464.
- Boivin, M. & Begin, G. (1986). Peer status and self-perception among early elementary school children: The case of the rejected children. *Child Development*, 60, 591-596.
- Diehl, D. S.; Lemerise, E. A.; Cavcerly, S. L.; Ramsay, S. & Roberts, J. (1998). Peer relations and school adjustment. *Journal of Educational Psychology*, 90, 506-515.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity, youth and crisis*. New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1950a). *Childhood and society (2nd ed.)* New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1950b). *Identity and the life cycle*. New York: Norton.
- Freedman, J. & Jensen, A. (1999). Joy and loss: The emotional lives of gifted children. Available online <http://www.kidsource.com>.
- Goetz, T. E. & Dweck, C. S. (1980). Learned helplessness in social situations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 246-255.
- Harter, S. (1999). *The construction of the self*. New York: Guilford Press.
- Harter, S. (1988). *Manual for the self-perception profile for adolescents*. Denver, Co: University of Denver.
- Harter, S. (1983). Developmental perspectives on the self-system. In M. Hetherington (Ed.), *Social Development: Carmichael's Manual of Child Psychology*. New York: Wiley.
- Harter, S. (1982). The Perceived competence scale for children. *Child Development*, 53, 81-97.

- Hoge, R. O. & Renzulli, J. S. (1993). Exploring the link between giftedness and self-concept. *Review of Educational Research*, 63, 449-465.
- Hymel, S. & Frank, S. (1985). Children's peer relations: Assessing self-perceptions. In, B. Schneider, K. Rubin, & J. Ledingham (Eds.), *Peer Issues in assessment and training*. New York: Springer-Verlag.
- Kaiser, C. F. & Berndt, D. J. (1985). Predictors of loneliness in the gifted adolescent. *Gifted Child Quarterly*, 29; 24-77.
- Lav, S. & Gruwm, G. E. (1992). The social stigma of loneness: Effects of target persons' and perceiver's sex. *Personality and Social Psychology. Bulletin*, 18, 182-189.
- MacCoby, E. E. & Jacklin, C. N. (1974). *The Psychology of sex differences*. Stanford: University Press.
- March, H. W.; Chessor, D.; Craven, R. & Roche, L. (1995). The effects of gifted and talented programs on academic self-concept: The big fish strikes again. *American Educational Research Journal*, 32, 285-319.
- Mize, J.; Russel, A. & Pettit, J. S. (1998). Further explorations of family- peer connections The role of parenting practices and parenting style in children's development of social competence. In, P. T. Slee & K. Rigby (Eds.) *Childrens peer relations*. London: Routledge.
- Penezic, Z.; Lackovic, K. & Sonic, I. (1999). Causes of loneliness: Structure, age, and gender differences. Original Scientific Papers, Available on line: [http://www. Google.com](http://www.Google.com).
- Renshaw, P. D. & Brown, P. J. (1993). Loneliness in middle childhood: Concurrent and longitudinal Predictors. *Child development*, 64, 1271-1284.
- Worrell, F. C. (1997). An exploratory factor analysis of Harter's self-perception profile for adolescents with academically talented students. *Educational and Psychological Measurement*, 57, 1016-1024.

